

هیئتهای مذهبی به روایت تصویر هیئت بنی فاطمه

موسی فقیه حقانی

سالهای پس از مشروطیت به ویژه سالهای ۱۳۳۴ به بعد که مقارن با جنگ جهانی اول بود کشور ما در وضعیت خطیر و نابسامانی به سر می برد. درگیریهای داخلی، اوج گیری اقدامات تروریستی گروههای افراطی از جمله فرق ضاله و کمیته مجازات، اختلافات دامنه دار مشروطه خواهان، مداخلات علنی روس و انگلیس که تا حد تقسیم کامل ایران در ۱۹۱۵ و طرح مستعمره سازی ایران در ۱۹۱۹ و نهایتاً روی کار آوردن دیکتاتوری نظامی رضاخان پیش رفت، درگیریهای مناطق شمالی ایران، غارتگریهای ماشاءالله خان کاشی و رضا جوزانی، عدم وجود دولتی مستقل و مقتدر و... تبعات امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ناگواری برای ایران در برداشت. بروز قحطی و بیماریهای مسری نظیر وبا و آنفلوآنزا بر مشکلات مردم افزوده و وضعیت نگران کننده ای به وجود آورده بود. روی کار آمدن کابینه های ضعیف و ناکارآمد با عناوین کابینه امید، کابینه نجات نیز مشکلی را حل نمی کرد. مرگهای دسته جمعی مردم تهران از گرسنگی و تشدید دزدی و غارتگری در شهرهای مختلف ایران، تیر روزنامه ها و موضوع گفت و گوی مردم شده بود. قیمت ارزاق عمومی به شدت افزایش یافته و گندم به منی صد تومان رسیده بود. تنگدستی مردم و کمبود ارزاق تلفات انسانی فراوانی را بر جای گذاشت. به گزارش عین السلطنه سالور در سال ۱۳۳۶ قمری در تهران هفته ای پانصد و بیست نفر تلف می شدند که ۲۲۰ نفر آن به جهت گرسنگی دست از دنیا می شستند.^۱

به گزارش روزنامه رعد قحط و غلا در آن سال در ایران بیداد می کرد، در شهر قم

۱. روزنامه خاطرات عین السلطنه سالور. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران، اساطیر، ۱۳۷۸. ج هفتم

روزی پنجاه نفر از گرسنگی می‌مردند، در همدان سی هزار فقیر اسم‌نویسی شده بود. به گزارش مخبر رعد وی زنان و پیرمردانی را دیده بود که از سلاخ‌خانه، خون گوسفند برای تغذیه خود و اطفالشان می‌بردند. شتر مرده‌ای در خندق شهر افتاده بود، گوشت و پوست و حتی استخوانهای آن را مردم شبانه با خود برده‌اند.^۲

در ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۶ قمری، باد و طوفانی به شهر تهران رسید که بعد از آن بدون اغراق از صد نفر ساکن تهران نود نفر مبتلا به تب و ناخوشی شدند و چنان شد که بازارها [و] دکاکین بسته شد. عموم مدارس تعطیل کردند. در تمام ادارات بیش از یک ثلث اعضا حاضر نمی‌شدند. در هر خانه روی هم، روی هم مرخص ریخته بود.^۳

عین‌السلطنه در خصوص اوضاع ایران در سال ۱۳۳۷ قمری نیز می‌نویسد:

در ایران عجله سوای آنفلونزا خبری نیست. دزدی، غارت، قحطی که از مطالب عادی است و خوگرفته‌ایم در جریده، باز نوشته بود از سال قبل (۱۳۳۶) تاکنون (۱۳۳۷) دویست هزار نفر در تهران و حومه تهران تلف شده است... اخبار و اطلاعات وارده از شهرهای دیگر خصوصاً ناخوشی بادآورده به اندازه‌ای هولناک است...^۴

در تهران به طور تحقیق و ثبت اداره نظمی تا پنج روز به عید نوروز مانده چهل و هشت هزار آدم تلف شده. حالیه هم روزی یک هزار نفر چه از گرسنگی، چه به واسطه ناخوشی حصبه تلف می‌شود. نان فراوان بود، یعنی از وقتی که آزاد کردند، لیکن برای مردم پول باقی نمانده است که بخرند. مردم آن قدر به این نان نگاه می‌کنند تا قبض روخش می‌شود. در خیابان می‌گذری می‌بینی مردم ایستاده‌اند [را] مراجعت از همان راه بکی یکی به خاک هلاکت افتاده‌اند. در قزوین نان کمتر از تهران است اما به قدر تهران آدم نمی‌میرد.^۵

در چنین شرایطی که مرگی سیاه مردم تهران و ایران را فرا گرفته بود، محرم ۱۳۳۷ قمری از راه می‌رسد و ملت ایران به اقامه عزا برای سالار شهیدان مبادرت می‌کند. عزاخانه اهل بیت (ع) پناهگاهی بود برای مردمی که هیچ پناهی نداشتند. عشق و ورزی آن سالهای ایرانیان قطعاً عمیق، خواندنی و پندآموز بوده و در صورت تحقیقات بیشتر می‌تواند علاقه‌مندان را بیشتر با روح لطیف ایرانی و ارادت قلبی آنها به اهل بیت (ع) آشنا

۳. همان، ص ۵۴۰۳.

۲. خاطرات عین‌السلطنه، همان، ص ۵۱۱۱.

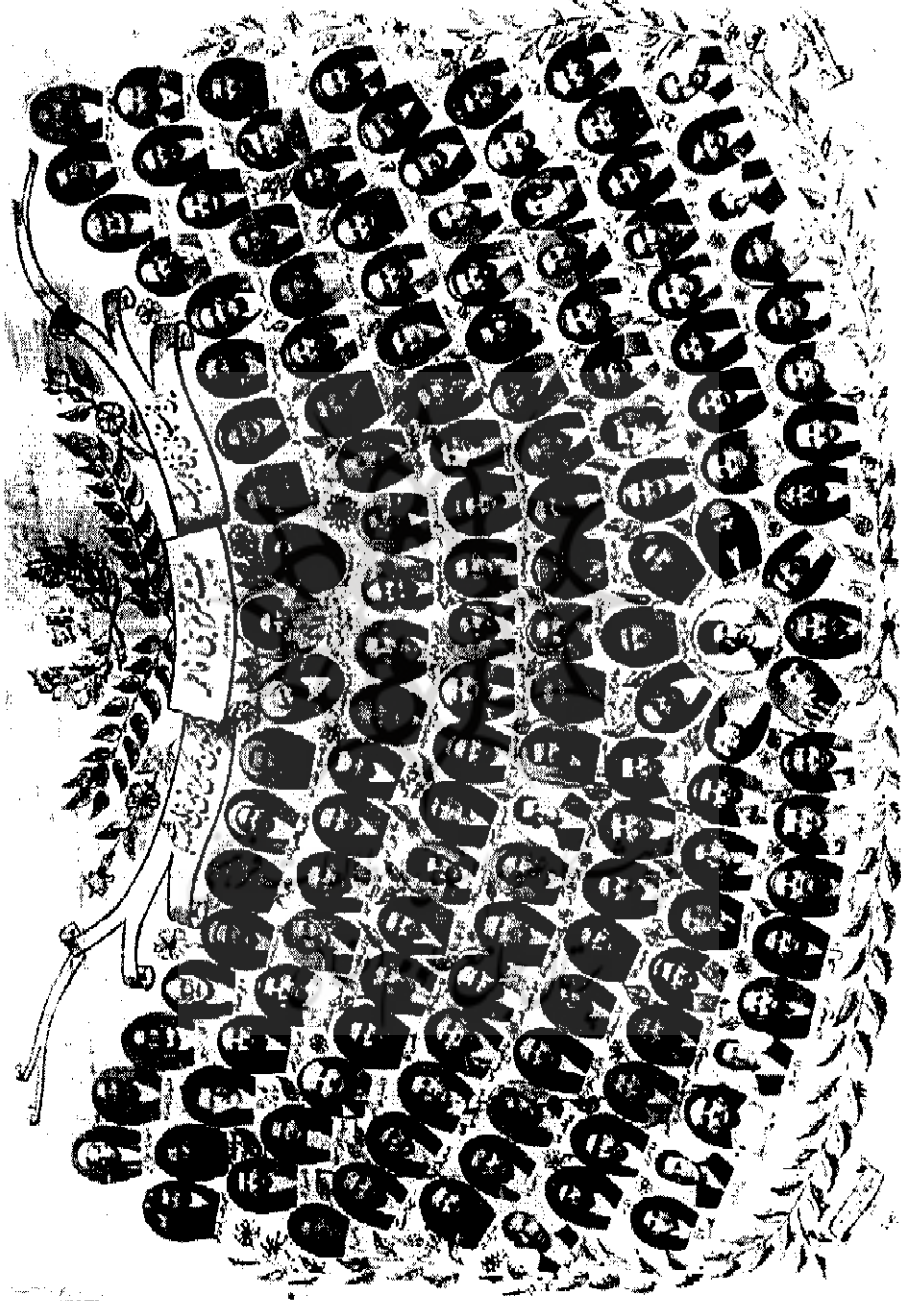
۵. همان، ص ۵۱۹۷.

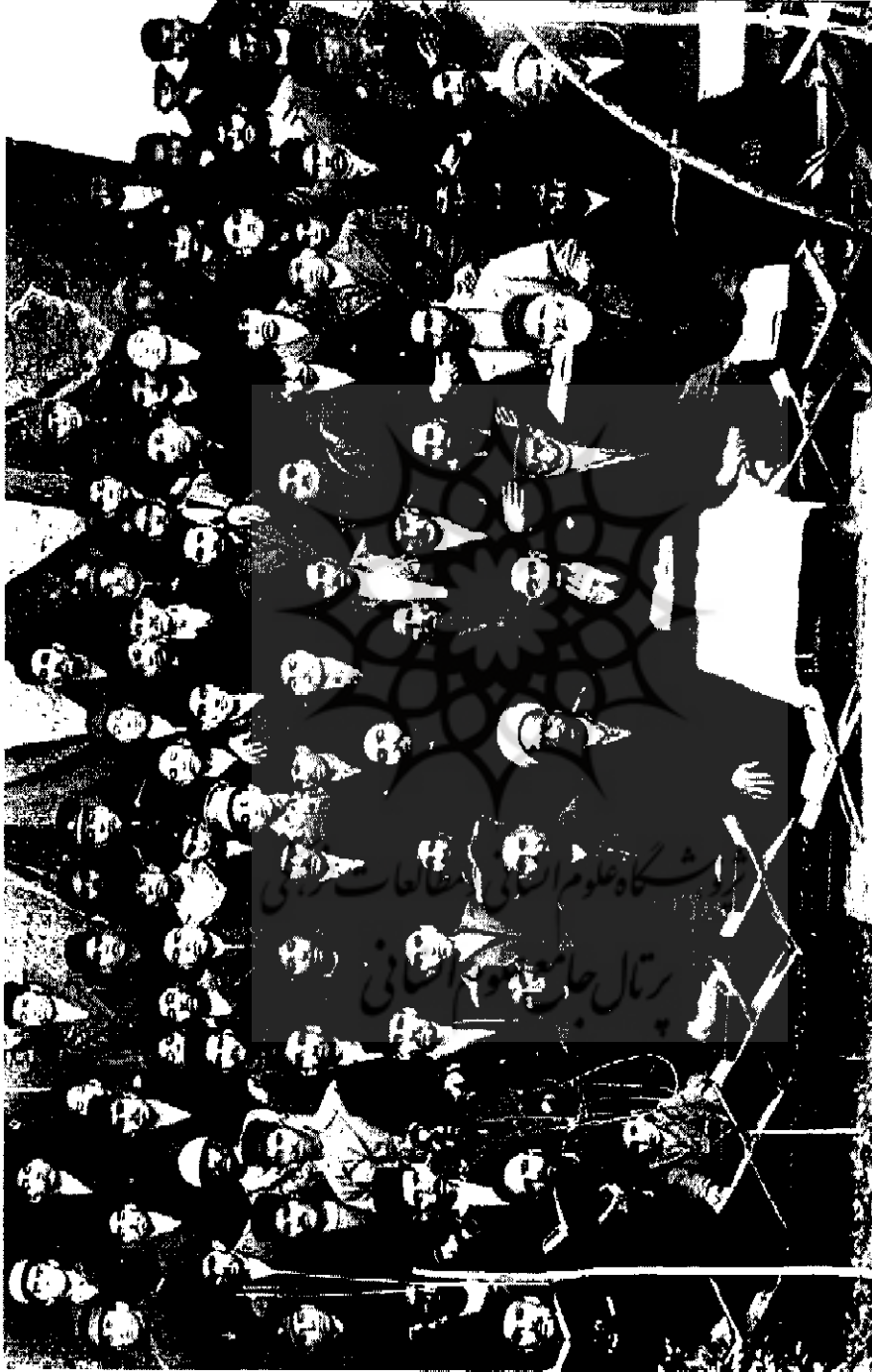
۴. همان، ص ۵۴۵۸.

نماید. در همان سال تعدادی از فرزندان فاطمه(س) به همراه برخی متدینین دیگر مترصد می‌شوند هیئتی برپا نمایند تا بتوانند در سایه سار آن به عرض ارادت نسبت به ساحت مقدس اباعبدالله و اهل بیت(ع) پردازند. مقدمات کار از آنجا که از سر صدق و اخلاص بود بسیار آسان فراهم شد. یکی از مؤسسين يك اتاق از دو اتاق خانه ۳۸ متری خود را به همراه یک سماور و دو استکان در اختیار هیئت گذاشت و برای یافتن واعظ به سر بازارچه نایب‌السلطنه رفت و اولین روحانی‌ای را که دید با خود به منزل آورد تا روضه بخواند. روحانی مزبور بر روی یخدانی که در گوشه اتاق بود نشست و شروع به خواندن روضه کرد. سپس حضار ماجرای تأسیس هیئت را با وی در میان گذاشته و از او در مورد نان هیئت مشورت طلبیدند. بنی فاطمه نامی بود که آن روحانی رهگذر بر آن هیئت گذاشت. هفت تن از مؤسسين هیئت در زمره سادات بودند و نام بنی فاطمه نام بامسمایی برای جمع ساداتی بود که به عشق امام حسین(ع) گرد هم جمع شده بودند. هیئت بنی فاطمه طی ۸۹ سال فعالیت، فراز و نشیب فراوانی را طی کرده و در مقطعی از حیات خود یکی از ارکان مهم هیئتهای مذهبی در تهران بود. اقامه عزاء و جشن در مناسبتهای مذهبی، آموزش احکام و قرآن، برپایی سخنرانیهای روشنگر، شرکت در مسائل سیاسی دوران نهضت و انقلاب اسلامی، ارائه خدمات عام‌المنفعه بخشی از فعالیت‌های این هیئت مذهبی است.

بخش تصاویر این شماره از فصلنامه اختصاص به هیئت بنی فاطمه دارد که به محضر شما تقدیم می‌شود.

اعضا، مؤسسين، وعاظ و ذاكرين هيتت بنى فاطمه

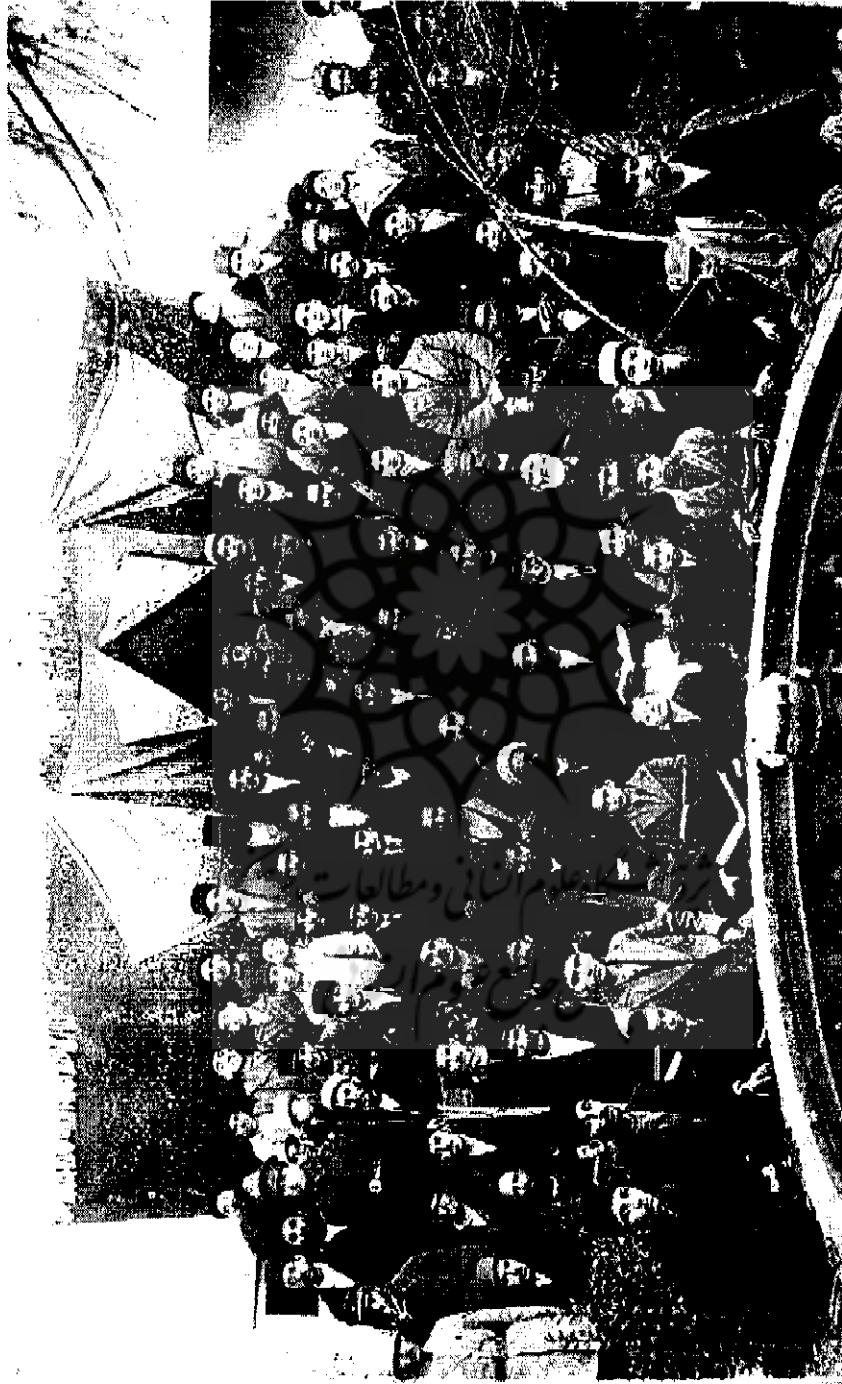




اعضای هیئت بنی فاطمه در دوره رضاخان: ردیف اول از سمت چپ: نقر سوم کریم کریم احمد اسلامی، محمد علی اسلامی (کودک)، نقر چهارم حاج اکبر قانع، نقر پنجم کریم کریم محمدالحسین جابرا انصاری، نقر وسط حاج مرزوق، نقر هشتم شیخ محمدحسین دیوانی (قاری قرآن)، نقر نهم حاج آقا امیر هوشی السادات، ردیف دوم: نقر چهارم حاج حسن نیک‌بینه، نقر هشتم وسط حاج سید جواد سدھی، نقر نهم علی اصغر تاجید، نقر یازدهم سید اکبر سالک‌نورد

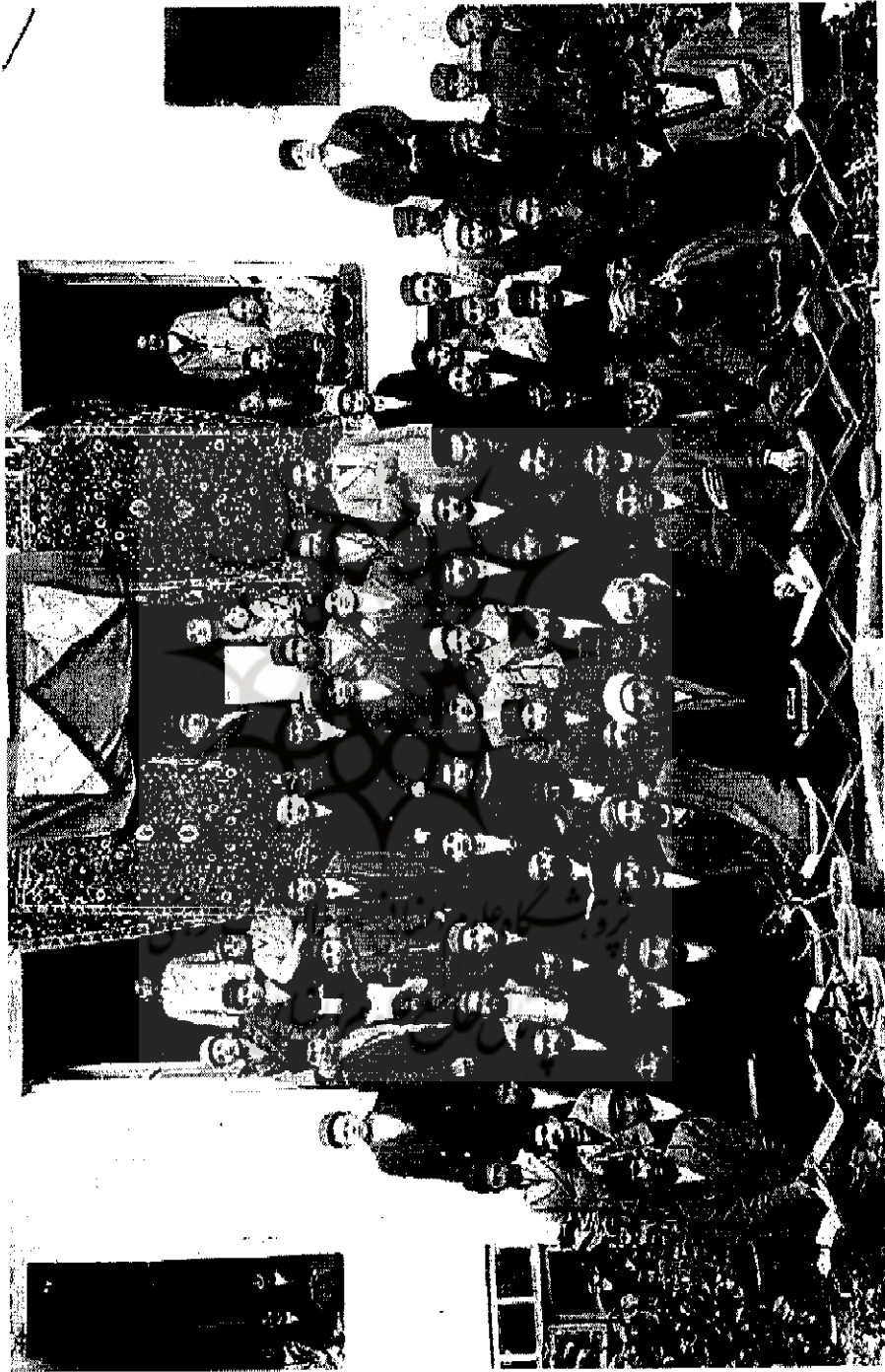
اعضای هیئت بنی فاطمه (۱۳۰۸ شمسی): ردیف دوم نفر پنجم حاج سید شاهنگیان، ردیف سوم نفر وسط حاج مرزوق





اعضای هیئت بنی قاطبه در دوره رضاخان (۱۳۰۹ شمسی): اردیف اول، نفر دوم میرزا عبدالله کلاهدوز، نفر هفتم سید عباس زریباف، ردیف دوم، کر بلائی احمد اسلامی، نفر ششم کر بلائی عبدالصن جابراقصاری، نفر هفتم حاج مرزوق، نفر هشتم شیخ محمدحسن دیوانی (قاری قرآن)

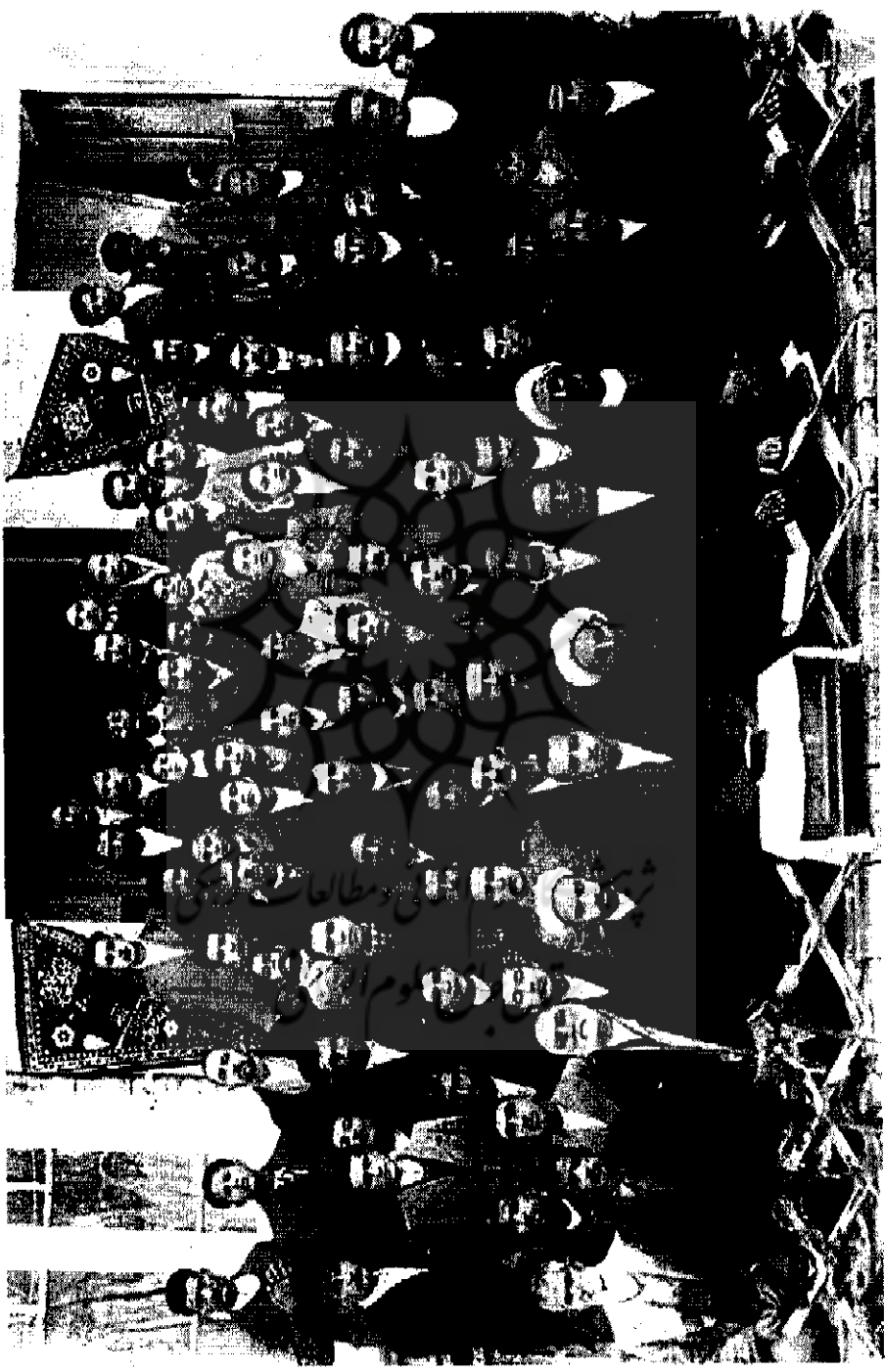
اعضای هیئت بنی فاطمه در دوره رضاخان: ردیف اول نفر سوم از سمت چپ تصویر حاج سید جواد سلمی، نفر پنجم حاج مقدس، نفر ششم حاج محمدحسین قاری





اعضای هیئت بنی فاطمه: ردیف اول نفر ششم از سمت راست تصویر شیخ محمدحسین دیوانی

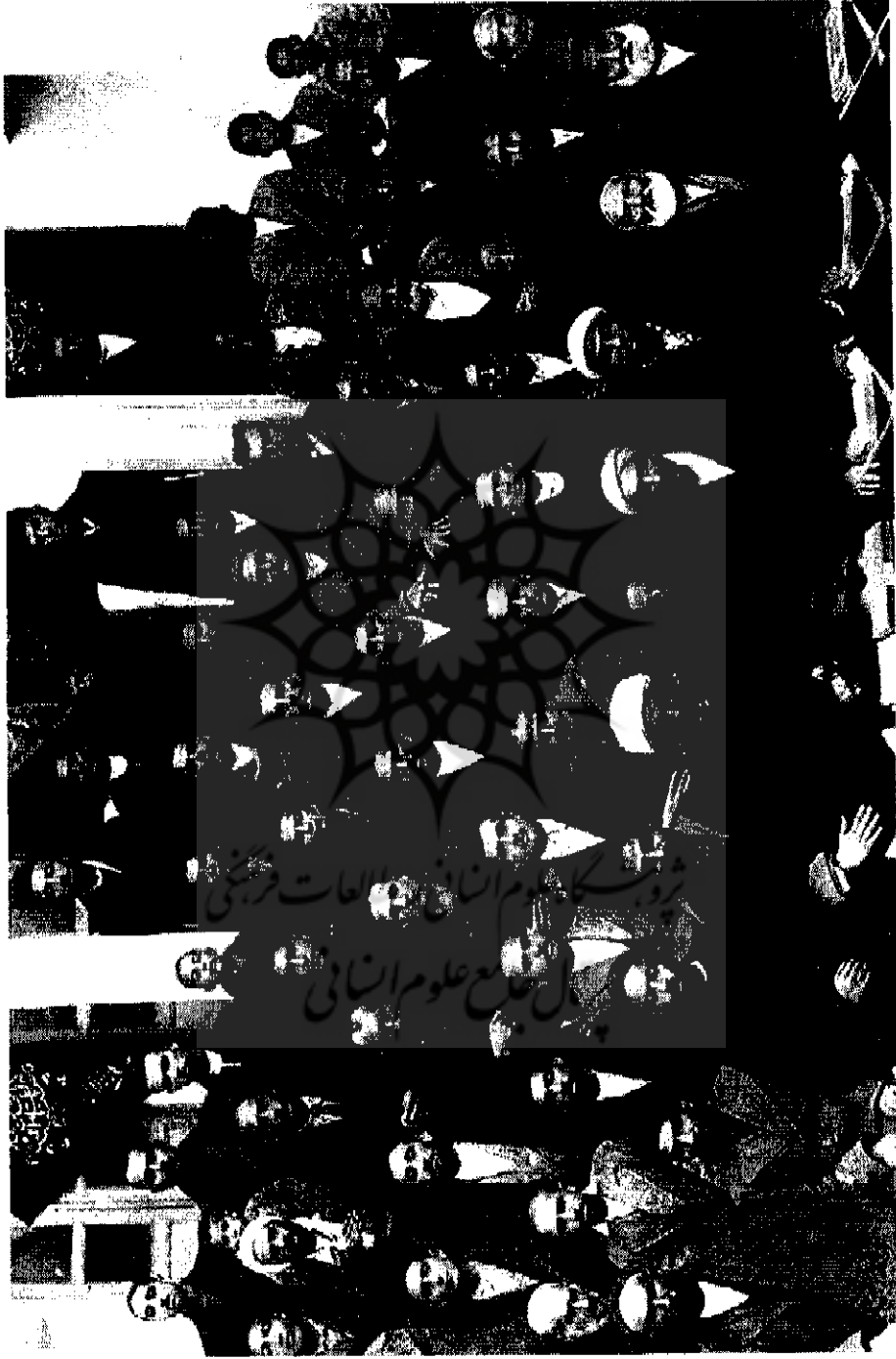
اعضای هیئت بنی فاطمه؛ ردیف اول نفر چهارم از سمت چپ تصویر حاج مقدس، نفر هفتم حاج سید حسین شاهنگیان

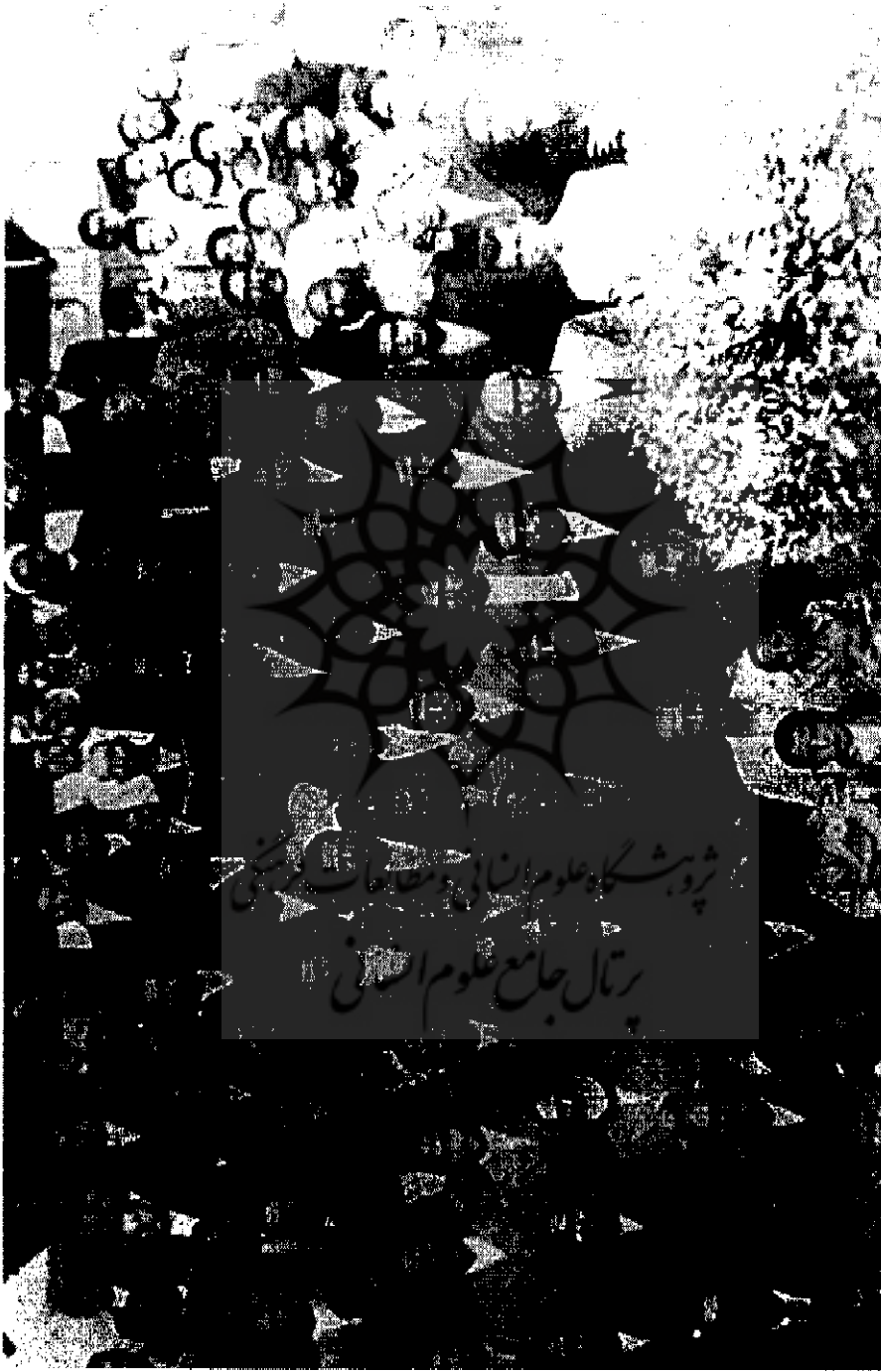




اعضای هیئت بنی فاطمه؛ ردیف اول نفر سوم محمدحسین قاری، نفر چهارم از سمت چپ تصویر حاج سید جواد سدهی،
نفر پنجم حاج مقدس، نفر هشتم حاج سیدحسین شاهنکیان، ردیف سوم نفر وسط حاج مرزوق

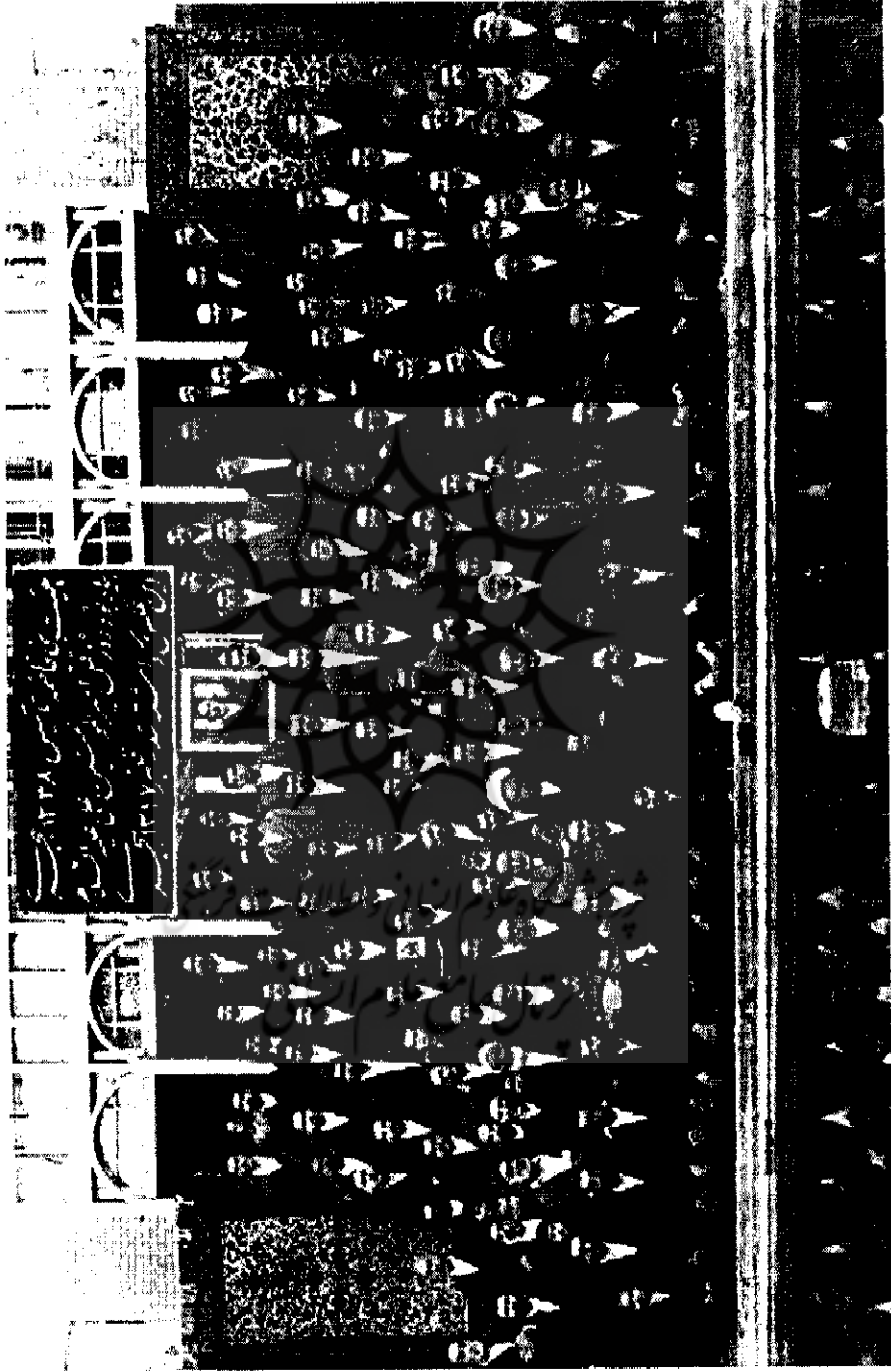
اعضای بنی فاطمه؛ ردیف اول نفر چهارم از سمت چپ سید جواد سدهی

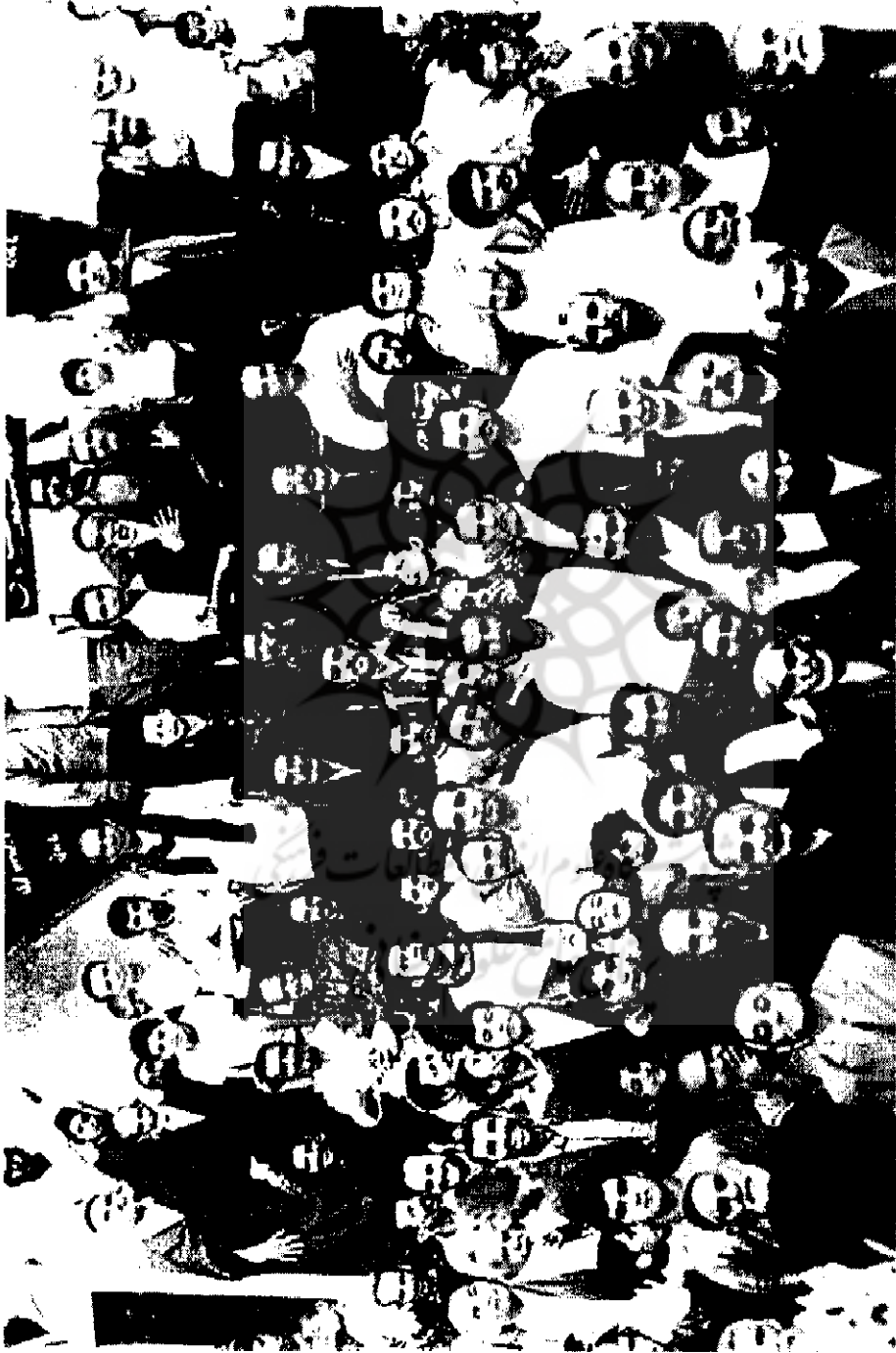




اعضای هیئت بنی فاطمه، ردیف دوم نفر چهارم حاج سید حسین شاهنگیان، ردیف ماقبل آخر نفر وسط شیخ محمدحسین قاری، ردیف آخر نفر دوم حاج مرزوق

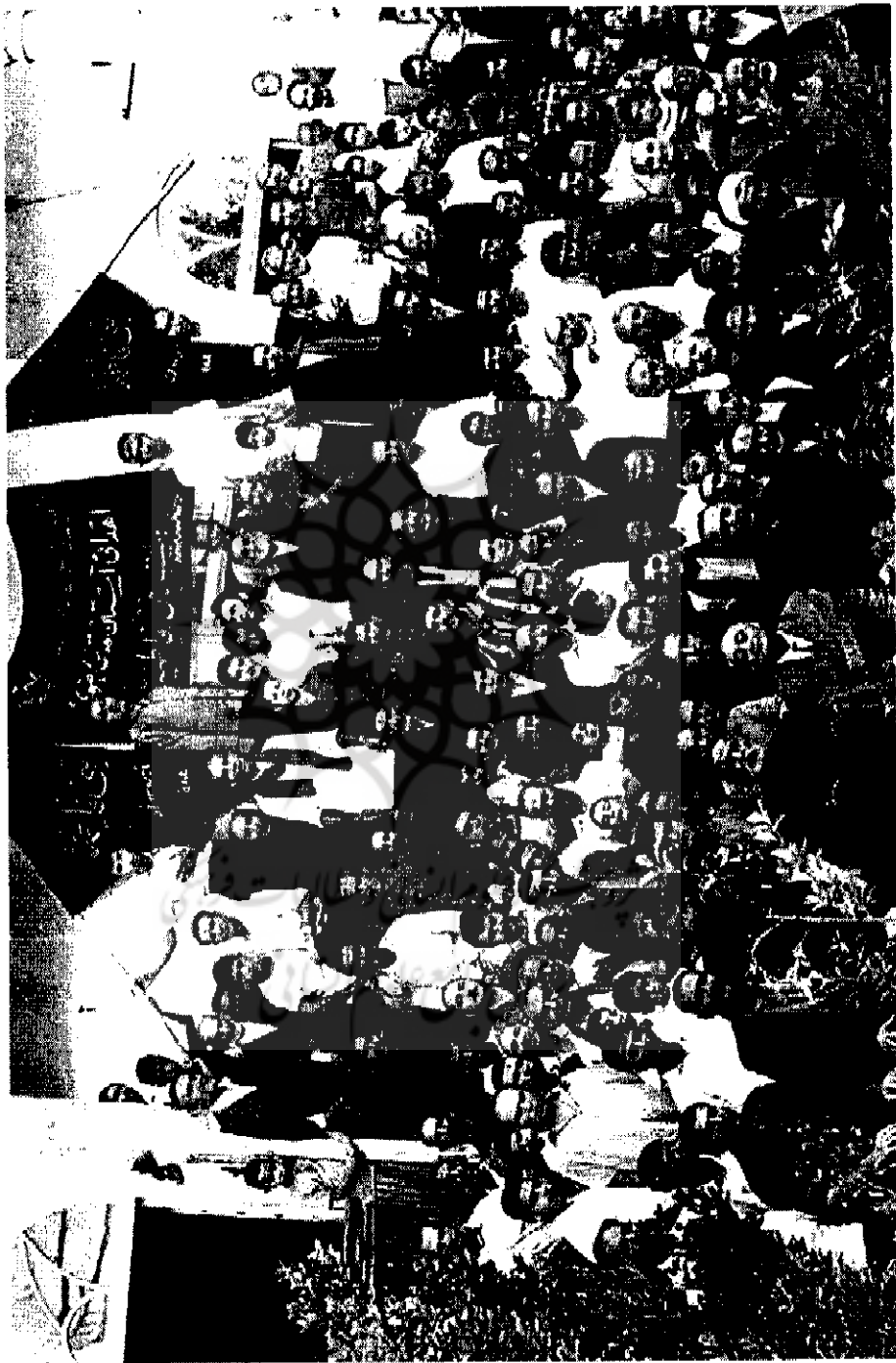
نفر سوم حاج علی پسر ثانی، نفر پنجم میرزا عزیزالله بلورقروش، نفر ششم وعضان امرایی (شیخ)، نفر هفتم حاج محسن تنها، نفر نهم آقا سید محمد زریباف (مدیر)
 اعضای هیئت بنی فاطمه؛ ردیف اول از سمت چپ تصویر: شوری (شاعر)، نفر ششم مشهدی عباس، نفر سیزدهم حاج اصغر انصاری - ردیف دوم نفر اول میرزا عبدالله کلانددرز

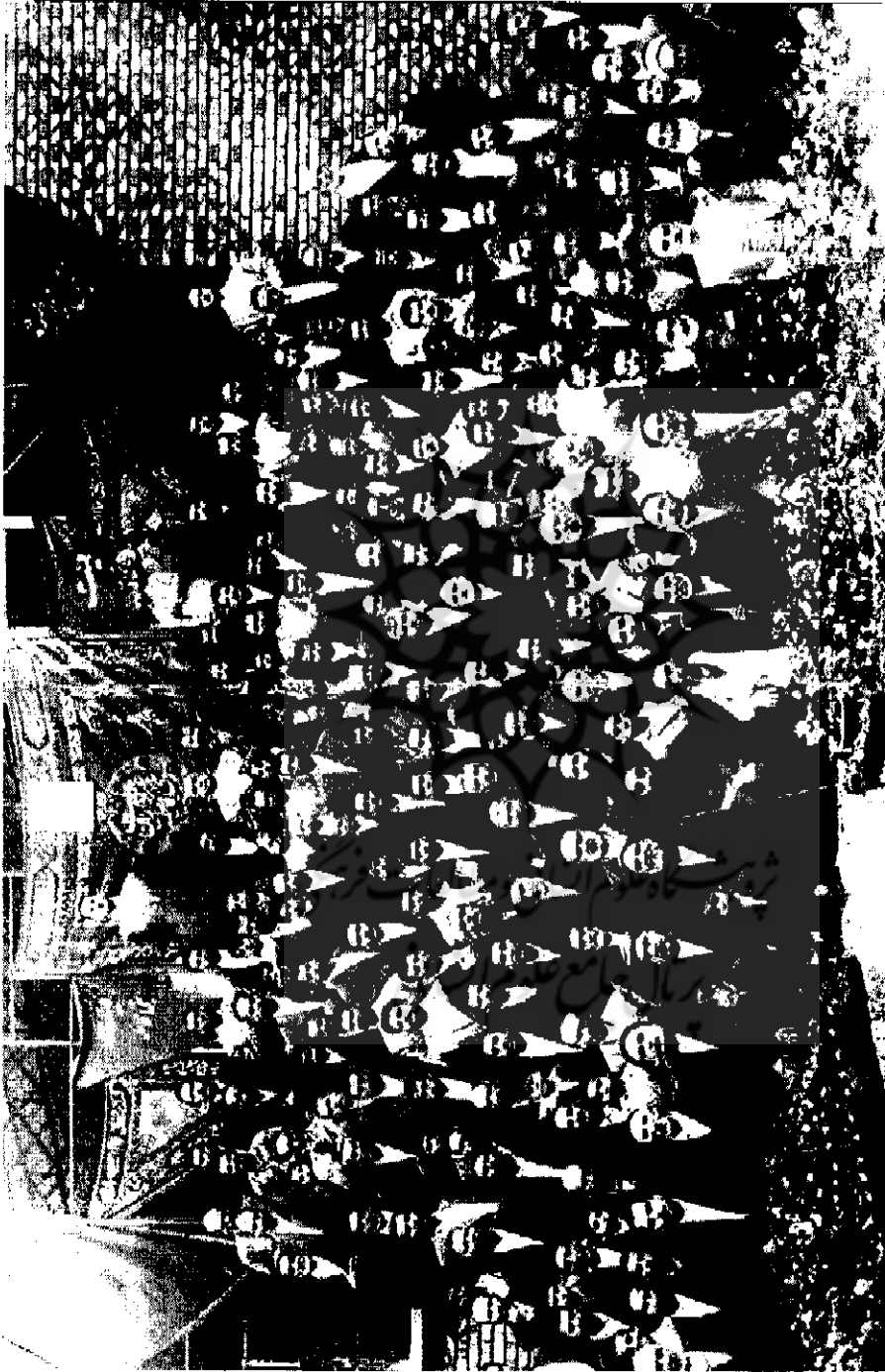




اعضای هیئت بنی ناطقه در مشهد مقدس: ردیف اول، نفر سوم زمر دبان، نفر چهارم سرهنگ مهاجر، نفر پنجم سید محمد زریباک، نفر ششم سید بطحاری، نفر هفتم مومنی، ردیف دوم، نفر دوم محمدکلاهدوز، نفر هفتم حسین مایح، نفر هشتم اصغر قزوینی، ردیف سوم: نفر سوم محمدعلی اسلامی.

زویاف، نفر ششم سید بطحایی، نفر هفتم مومنی، نفر دوم محمد کلاهدوز، ردیف سوم: نفر چهارم محمد علی اسلامی
اعضای هیئت بنی فاطمه در مشهد مقدس زردیف اول، نفر اول محمود جهانگیری، نفر دوم علی قیسری، نفر سوم زمره دیان، نفر چهارم سرونگ مهاجر، نفر پنجم سید محمد





اعضای هیئت بنی فاطمه در منزل یکی از اعضا: ردیف اول، نفر اول حاج غلام مس فروش، نفر چهارم حاج عزیزالله بلور فروش (کریاسی)، نفر هفتم آقا سید کریم، نفر هشتم سلطان الواعظین شیرازی، نفر نهم آیت الله حاج سید احمد خوانساری، نفر دهم سید حسین شاهنگیان، نفر دوازدهم سید مهدی نیائی، نفر سیزدهم شیخ حسن قاری، نفر چهاردهم حاج آقا میرحوش السادات، نفر پانزدهم شهیدی رمضان امرایی، نفر شانزدهم شیخ عباس قمی، ردیف دوم، نفر سوم سید علی زریباف، نفر چهارم محمد مؤمنی، نفر نهم حاج علی اصغر کتعمانیان، نفر پانزدهم حاج مهدی نیائی، نفر دوازدهم حاج حسین نیک پناه

اعضای هیئت بنی فاطمه بعد از انقلاب اسلامی





نظارات دوره انقلاب



حسینه بنی فاطمه در مشهد



نظارات دوره انقلاب



حسینه بنی فاطمه در مشهد



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز